

فتیان گروهی از طبقه اجتماعی در عراق عصر عباسی قرن ششم هجری قمری

گلاره امیری (نویسنده مسئول)

گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

glareh.amiri@yahoo.com

فاطمه جان احمدی

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران

شهرام یوسفی فر

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

از مهمترین طبقه های اجتماعی در قرن ششم و هفتم ه.ق، تشکیلات فتیان در عراق عصر عباسی است. این گروه اجتماعی که اساس کار آنها بر برادری میان مردم و پای بندی به آداب جوانمردی و دوری از رذایل اخلاقی استوار بود، می کوشید با حضور در بطن جامعه، برای مردم ستم دیده، پناهگاهی در مواجهه با ظلم و ستم موجود باشد. با توجه به حضور فعال جوانمردان در مسائل اجتماعی، حکومت های سیاسی وقت و گاه دستگاه خلافت عباسی، در پی ایجاد ارتباط با آنان به منظور استفاده از توانایی های بالقوه شان بودند و حتی به عنوان ابزاری در اختیار آنها قرار می گرفتند. در این مقاله تلاش بر آن است تا عملکرد گروه فتیان به عنوان یک طبقه اجتماعی در عراق قرن ۶ ه.ق مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: فتیان، طبقه اجتماعی، عباسیان، عراق

فتوت در آغاز مسلکی فردی با جنبه های مختلف مردانگی و مروت بود و به عنوان کمال مطلوبی اخلاقی به شمار می رفت. اما از آغاز قرن سوم ه.ق از فرد به اجتماع پیوست. در این میان، گروهی از پیروان فتوت به تصوف پیوستند و گروهی از آنان با تصوف رابطه برقرار نکردند. (شرفی، ۱۳۸۹: ۱۵۴) اصول فتوت به صورت آموزه ای صنفی در میان اصناف گوناگون پیشه وران و صنعتگران راه یافت. برای اهل هر پیشه رساله ی عملی مختصری نوشته شد که عنوان آن فتوت نامه بود و به هر صنفی که تعلق داشت، نام آن صنف نیز به این عنوان افزوده می شد. (محبوب، ۱۳۷۱: ۱۱) آیین فتوت هم به نظر می رسد رابطه ی بسیار تنگاتنگی با تصوف و عرفان داشته است. محمود آملی، از علمای سده هشتم هجری، در کتاب نفائس الفنون علم فتوت را از علوم متصوفه برشمرده است. (آملی، ۱۳۸۱: ۱۱۰-۱۱۱) کاشفی نیز در فتوت نامه سلطانی «علم فتوت» را شعبه ای از «علم تصوف» می خواند. (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰: ۷۷) در نتیجه، می توان گفت که ریشه ی فتوت در تصوف است و می کوشد تا آیین مقدسی برای همه حرفه ها و اصناف تنظیم کند و اسرار آن حرفه ها را در پوشش آداب مذهبی نسل به نسل منتقل سازد. (شایگان، ۱۳۷۱: ۱۶۶-۱۶۷؛ حاجیان پور. پیروزان، ۱۳۹۲: ۷۲)

در این مقاله تلاش بر آن است که با استفاده از شواهد تاریخی، منابع به جامانده از این دوره و تحلیل نظریات اندیشمندان و با استفاده از شیوه ی پژوهش تاریخی به بررسی فیتیان به عنوان گروهی از طبقه اجتماعی در عراق عصر عباسی قرن ۶ ه.ق پرداخته شود. برای این منظور ابتدا اشاره ای به آیین فتوت و اصول فیتیان خواهیم داشت و سپس ضمن اشاره به باورهای مذهبی اهل فتوت، در مورد علل اوج گیری آیین فتوت در زمان الناصرالدین الله خلیفه عباسی بحث خواهیم کرد.

آیین فتوت (عیاران، جوانمردان)

فیتیان گروهی بودند که اساس کار آنها بر آداب جوانمردی استوار بود، جوانمردی نیز به معنی راه و روش گروهی است که به عربی «فتی» و جمع آن «فیتیان» و به فارسی جوانمرد و عیار و به طریقه آنان «فتوت» می گفتند. (آملی، ۱۳۸۱: ۱۱۱) آنچه از تعاریف فتوت برمی آید، فتوت مرام اخلاقی است که به تهذیب اخلاق و استوار گردانیدن برادری میان مردم و فراخواندن به فضایل (بزرگواری، سخاوت، رشادت، شجاعت) و دوری از رذایل اخلاقی (دروغ، تکبر، بخل، ناسپاسی، ...) می خواند که هدف کلی آن عبارت است از توجه به مسائل معنوی و تخلق به اخلاق پسندیده و اتصاف به صفات حمیده. (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰: ۹)

در عهد اسلامی عیارپیشگی رونق یافت و بعدها با تصوف درآمیخت و به تدریج جزیی دیگر به نام فتوت یا جوانمردان در اسلام تشکیل یافت. شعرا در این باره اشعار گفتند و جوانمردی را ستودند. اساس مشی اجتماعی عیارپیشگان و مملوکان عرب و سالکان ایرانی که همه از مردم فقیر بوده اند در آن بود که، حقوق خود را از بیت المال اسلام دریافت دارند و در غزوه ها و جهادها و حفظ شهرها از تهاجمات دشمنان و دزدان، به وظیفه ی دیانت و ملی خود عمل نمایند. گاهی که دولت در ادای حق آنان به سبب ظالم بودن خلیفه یا عامل دیگر تعلل کند، مملوکان و عیاران محقند که حق خود را از مردم ثروتمند طلب نمایند و یا در سر راه ها از مال تجار خمس گرفته و قبض رسید بابت حقوق عقب افتادگی ملی خود به آنان بسپارند و در هر صورت رعایت فقرا و اهالی شهر به سوی ثروتمندان و توانگران از تجار یا اعیان - همه وقت در ذهن عیاران و مملوکان بوده است. غالباً با حکام ستم پیشه، مقابل شده و به منفعت مردم، آنان را تنبیه و مجازات می کردند و مانند بعضی از احزاب سیاسی، تشکیلات منظم و دسته بندی و آیین خاصی داشته اند و به تمام معنا، حزبی سیاسی و اجتماعی و هوادار رنجبران و مردم فقیر بوده اند. (نخجوانی، ۱۳۴۴: ۲۰۳-۲۰۱؛ ابن المعمار البغدادی، ۱۹۵۸: ۱۲۵)

عیاران که اقلیتی را در بغداد تشکیل می دادند و در آخرین ربع قرن ۴ و ۵ ه.ق فعالیت می کردند، آشوب و آشفتگی بسیار می آفریدند. مورخان آنها را در آن دوران راهزن و دزد معرفی می کرده اند. (دوری، ۱۳۷۵: ۳۱) آن چه که به نظر جالب

می‌آید، تشکیلات و سازمان شهری آنان است. آنان شیخ یا استادی داشتند، که بالاترین مرتبه در تشکیلات آنان بود و رئیس، که بر گروهی از فتیان (جوانمردان) که به منزله شاگردان بودند، ریاست می‌کرد؛ به آنان اعمال عیاری و شاطری می‌آموخت و بنا بر گفته ابن جوزی، آنان در هر محله، پیشوایی معتمد داشتند. (ابن جوزی، ۱۳۵۷ق: ۶/۳۲۱)

عیاران، برای پیوستن افراد به تشکیلاتشان شیوه‌های خاصی داشتند. میان این تشکیلات و تشکیلات اصناف، تشابهی می‌یابیم، به ویژه اینکه بسیاری از پیشه‌وران و کسبه به این جنبش پیوستند. در تشکیلات آنان چیزهایی وجود دارد که دلالت بر ارتباط آنان با فتوت نیز می‌کند. آنان خود را جوانمردان و فتیان می‌نامیدند، پس عیار در او فتوت هست و مروت دارد. (ابن الجهم، بی تا: ۹۰-۸۹)

فتوت سلسله مراتبی مانند آن چه در تشکیلات اهل اصناف نیز موجود است، داشت. در اینجا شیخ، پیشرو، مقدم، مهتر (کبیر)، پیشوا، زعیم، رهبر، قائد و پدر آب یا سرگروه (راس الحزب) نامیده می‌شد و نظر او مطاع بود. (ابن المعمار البغدادی، ۱۹۵۸: ۱۵۴)

اصول فتوت و صفات فتیان

اصول فتوت بر پایه چهار خصلت مهم، عفت، شجاعت، سخاوت و عدالت قرار دارد که فرد فتی ملزم به رعایت آنهاست و در این موارد برای او حد و حصری وجود ندارد. عمر سهروردی در فتوت نامه خویش برای فتوت، دوازده رکن قائل است. شش رکن در مقام ظاهر و شش رکن در مقام باطن. «آن شش که در ظاهر است اول بند شلوار است (از زنا) ۲. شکم است (از لقمه حرام) ۳. زبان است (از غیبت، بهتان، سخن بیهوده) ۴. سمع و بصر است (از ناشنیدنی‌ها و نادیدنی‌ها) ۵. دست و قدم است (از گرفتن حرام و آزدن خلق) ۶. حرص امل است؛ و آن شش در باطن: ۱. سخاوت ۲. کرم ۳. تواضع ۴. عفو ۵. نیستی (از منیت، جوانمرد باید که نیستی را سرمایه سازد تا به هستی معنی و به حقیقت واصل شود) ۶. هشیاری. (رسائل جوانمردان، ۱۳۵۲: ۹۴)

شمس الدین محمود آملی نیز در نفائس الفنون، خصایص فتیان را چنین برمی‌شمارد: «از خصایص اشرف ایشان آن است که اول به عهد وفا کنند، دوم مبالغت است در کتمان اسرار و حفظ آن از اغیار، سوم تکریم است و آن حمایت حرمت و رعایت حشمت است در مواقع تهمت، چهارم سعت صدر است، پنجم آن است که با مساکین، ضعیفان و مومنان طریق مسکنت و مذلت و نرمی و مرحمت سپرند و با اقویای کفار و گردنکشان درشتی، شدت و قوت نمایند و در سلوک راه حق از ملامت نترسند و از آن جمله عزت است و دیگر معرفت قدر خویش ... و هشتم غیرت است در استتکاف از چیزی که موجب عار و تقدم باشد و دیگر تجمل است و آن اظهار توانگری در جا و اخفاء شدت و بلاست و از خصایص فتیان استجلاب محبت حق است به محبت اولیاء الله. (آملی، ۱۳۸۱: ۱۲۵)

شرایط فتوت عبارتند از: ۱. ذکور بودن ۲. بلوغ ۳. عقل ۴. دین ۵. صحت بنیت ۶. مروت ۷. حیا (همان: ۱۲۸)

عنصرالمعالی کیکاوس مولف قابوس نامه که آخرین باب کتاب خود را به شرح جوانمردی و جوانمردپیشگی اختصاص داده است؛ اصول جوانمردی را سه چیز دانسته است، یکی آنکه هر چه بگویی بکنی و دیگر آنکه خلاف راست نگویی، سوم آنکه شکیب را کاربندی، زیرا که هر صفتی که تعلق دارد به جوانمردی، در زیر این سه چیز است... (کیکائوس، ۱۳۴۲: ۲۲۲)

ارباب فتوت برای ورود به آیین فتوت، علاوه بر شرایط یاد شده، آداب مخصوص داشتند، از جمله پوشیدن لباس مخصوص به نام لباس فتیان، که عبارت بوده است از بستن یک پیشبند به کمر داوطلب و پوشیدن شلوار توسط وی. شلوار فتوت پیش فتیان حکم فرقه را در نزد متصوفه داشت. علاوه بر این، فتیان در جلسات خویش از جام فتوت موسوم به «کأس الفتوه» آبی را که دارای نمک بود می‌نوشیدند، که هر یک از این اعمال اشارت به معنی است. (کربن، زرکوب تبریزی، ۱۳۸۳:

۶۸-۷۱) آب و نمک اشاره به اینکه، اهل فتوت باید چون آب زلال و صاف باشند و حق نمک محفوظ دارند. ازار یا سراویل پوشیدن نیز به فضیلت عفاف و منع نفس از شهوت اشارت دارد. (کاشی سمرقندی، ۱۳۵۱: ۲۲)

باورهای مذهبی فتیان

این که جوانمردان پیرو چه مسلک و یا چه آیین مذهبی بوده اند، چندان روشن نیست؛ آنچه از اطلاعات منابع در این زمینه بدست می آید، این است که اکثر جوانمردان گرایش به فرقه ی خاصی پیدا نکردند. زیرا فتوت مسلکی اخلاقی است که پیروان خود را به تهذیب اخلاق و انجام دادن فضایل و دوری از رذایل فرا می خواند؛ اما در ارادت و رزی گروه کثیری از اینان به حضرت علی (ع) تردیدی نیست. آنان حضرت علی را قطب و مدار فتوت می دانند. (رسائل جوانمردان، ۱۳۵۲: ۹۹) تنها گروهی از جوانمردان که عقیده ای خلاف این نظر داشتند، جوانمردان شام بودند که به «احداث» معروف بودند. یکی از مهمترین خصوصیت‌های این فرقه، مخالفت و دشمنی شدید با مذهب شیعه بود. ابن جبیر درباره اینان در سفرنامه خود چنین می نویسد: «نبویه سنی هستند و به فتوت و تمام اصول جوانمردی سخت پایبندند و در پذیرفتن افراد به فرقه خود بسیار سخت گیرند نبویان در هر کجا رافضیان را بیابند ایشان را می کشند.» (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۲۸)

آنچه از فتوت نامه ها و دیگر منابع برمی آید این است که، گروهی از جوانمردان تمایلات شیعی داشته اند. چنان که گفته شد، در حقیقت عیاری و جوانمردی تعلق به ملیت و یا مذهب خاصی ندارد. آنچه حائز اهمیت است، پایبندی به آداب و صفات و تعهدات اخلاقی این مسلک است. به عبارتی دیگر، تلاش بر پیروی از نمونه های برجسته ی انسانیت و سرمشق قرار دادن آنها به عنوان الگوهای مطلوب اخلاقی است. (کاشی سمرقندی، ۱۳۵۱: ۱۷)

بعدها فتوت به تصوف پیوست و به تمام معنی مرادف با ایثار گردید و به صورت مفهومی اساساً اخلاقی، نزد آنها درآمد. بزرگان تصوف ایران همواره تصوف را برای خواص، و جوانمردی را برای عوام می دانستند و هر دو را با هم ترویج می کردند. (نفیسی، ۱۳۴۳: ۲۱۴)

بدین ترتیب، با ایجاد رابطه میان فتوت و تصوف، فتوت به صورت شاخه ای از مسلک تصوف درآمد و شعبه ای از آن گردید و بسیاری از بزرگان صوفی در تدوین کتب تصوف، قسمتی از آثارشان را به فتوت اختصاص دادند و یا تمام تلاش خود را برای تدوین فتوت نامه نهادند. (کربن، زرکوب تبریزی، ۱۳۸۳: ۵۱)

حضور فعال جوانمردان در مسائل اجتماعی را برای نخستین بار در محاصره ی بغداد و جنگ بین امین و مأمون می بینیم، که عیاران تشکیلات خاصی داشتند و به قول مولف مروج الذهب، عده ی آنان بالغ بر ۵۰ هزار نفر می شد، که جامه ی مخصوصی به تن داشتند و به دسته های منظمی تقسیم شده بودند؛ یعنی هر ده نفر زیر نظر یک فرمانده به نام «عریف» می جنگیدند و هر ده عریف زیر نظر یک «نقیب»، و هر ده نقیب یک قائد، یک امیر، یا به تعبیر دیگر، یک سرهنگ داشتند. (مسعودی، ۱۳۷۰: ۲/۴۰۳) دیگر بار، حضور عیاران را در زمان یعقوب لیث می بینیم که او در میان آنها مقام سرهنگی یافت و با یاران خود به جمع مطوعه به رهبری نصر بن صالح پیوست و پس از به دست آوردن ریاست مطوعه، با سازماندهی نیروهای خویش به جنگ با خلیفه مبادرت ورزید. (مستوفی، ۱۳۳۹: ۳۷۰)

در عصر سلطنت آل بویه در عراق، جوانمردان و عیاران دسته های مخالف و موافق یکدیگر تشکیل دادند و تعصب مذهبی نیز بر ایشان افزوده گشت. الکامل در حوادث سال ۳۶۱ ه.ق می نویسد: «در این سال در بغداد فتنه ای بزرگ افتاد و مردم دسته دسته شدند و عیاران پدید آمدند و فساد را آشکار کردند... در میان ایشان گروه هایی به نام نبویه تشکیل شد و سنیان و شیعیان و عیاران در هم افتادند و مالها به تاراج رفت و مردم کشته شدند و خانه ها بسوخت و از جمله محله ی کرخ

بغداد که مسکن شیعی مذهببان و جایگاه بازرگانان بود، آتش گرفت... در این فتنه، گروهی از سران عیاران سلطه و فرمانروایی در بغداد را میان خود قسمت کردند. (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ۱۵/۳۶۱)

در واقع فتوت را می توان به دو گروه تقسیم کرد:

۱. فتوتی که با تصوف رابطه ی نزدیک برقرار کرد و در آن آمیخت، به صورت شاخه ای از مسلک تصوف درآمد.
۲. فتوتی که با تصوف رابطه ای برقرار نکرد و جوانمردان، ضمن انجام فضایل اخلاقی، گاه به کارهای خلاف شریعت نیز می پرداختند. محبوب در مقدمه کتاب فتوت نامه سلطانی می نویسد: «عده ای از افراد عشرت طلب و خوشگذران که جزء گروه جوانمردان شمرده می شدند، در منازلی گرد آمده به میگساری و تفریح و موسیقی و اعمال دیگر می پرداختند.» (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰: ۲۱)

عباس اقبال در انحراف این دسته می گوید: «عده ای از فتیان قبل از قرن پنجم هجری در ایران و عراق به عنوان غازی و مجاهد می جنگیدند و همین که این جماعت به مرور زمان عقاید خالص اسلامی خود را از دست دادند، و به اصطلاح جزء عیاران گردیدند و فتوت ایشان از اساس اخلاقی منحرف گردید و در نیمه ی قرن پنجم هجری، فتیان ایران غربی و عراق، جز مشتی راهزن مردم کش طماع، چیزی دیگر نبودند.» (اقبال آشتیانی، ۱۳۵۰: ۲۲۸)
بنابر اعتقاد پرفسور تیشنر، مقصود و هدف این دسته ظاهراً ایجاد یک تساوی و عدالت به وسیله ی زور، بدون رعایت نظم و ترتیب مملکت، هم از لحاظ تقسیم اموال دنیوی و هم از لحاظ دفاع از اشخاصی که از طرف حکومت وقت، ظلم و زجر می دیدند، بود. (تیشنر، ۱۳۳۵: ۸۲)

اوج گیری فتوت در زمان الناصرالدین الله خلیفه عباسی

در عصر سلجوقیان، سلاطین سلجوقی برای ایجاد تمرکز و قدرت سیاسی و یکپارچه نمودن آن، با عیاران به مخالفت و دشمنی پرداختند. این سیاست در نخستین برخورد سلجوقیان با عیاران، خاصه در بغداد، در دفع فتنه بساسیری به وسیله ی طغرل بیگ، آشکار گردید. (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۰۷)
با ضعیف شدن سلاجقه ی عراق و تلاش خلفای عباسی به منظور تحدید قدرت سلاجقه و افزایش قدرت سیاسی دربار خلافت، شاهد کاهش سختگیری بر عیاران و به کارگیری آنان از سوی خلیفه در سپاه هستیم. به طوری که پس از مرگ مسعود سلجوقی در سال ۵۴۷ه.ق، خلیفه المقتفی، آنان را به دفع دشمنان خود و راندن ایشان از شهرهای عراق مأمور نمود. (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ۲۱/۵۲۲)

از جوانمردان بزرگ این روزگار، که رهبری جوانمردان را به عهده داشت، شیخ عبدالجبار بن یوسف بود که الناصرالدین الله، خلیفه عباسی، به وسیله ی او لباس فتوت پوشید و به آیین فتوت پیوست و پس از او نیز خود رهبری این آیین را به عهده گرفت. (هندوشاه نخجوانی، ۱۳۵۷: ۳۲۰؛ ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۴۳۲؛ خلعتبری، شرفی، ۱۳۸۰: ۶۵)

در توضیح و شرح این مسئله، قاضی شهاب الدین ابراهیم حموی در کتاب تاریخ مظفری می نویسد: «در سال ۵۷۸، امام ناصر از شیخ عبدالجبار آب و نمک بنوشید و او را پانصد دینار عطا کرد و پسر او را خلعت داد... چون ناصر سراویل فتوت پوشید، بسیاری از شاهان و بزرگان نیز از او تقلید کردند و این کار مردم را به مساعدت با یکدیگر و تعاون... برانگیخت.» (ابن المعمار البغدادی، ۱۹۵۸: ۵۲)

عصر خلافت الناصر دوران کمال، رواج و رونق آیین فتوت گردید. او منشوری برای سران احزاب جوانمردان صادر کرد و در پی ترویج و اشاعه ی آیین فتوت، به دعوت امرا و سلاطین مسلمان اطراف پرداخت و برای آنها شلوار فتوت فرستاد

(شرفی، ۱۳۹۱: ۱۲۷) و تمام دسته های فتوت در سراسر کشور را، به غیر از آن عده که شلوار از طرف او به پا داشتند، از بین برد. (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ۲۲/۵۷۸)

بدین ترتیب، در زمان این خلیفه تنها فتوتی باقی ماند که او و پیروانش بوجود آورده بودند به عبارتی ناصر سلسله فتوت تازه ای به وجود آورد که خود او مؤسس آن بود، این فتوت اصلاح شده، به وسیله ناصر در تمام ممالک اسلامی رواج یافت. (تیشنر، ۱۳۳۶: ۶۳۱)

در منابع این عصر از علت هایی که خلیفه عباسی را به گرویدن به فتوت واداشت، سخنی به میان نیامده است، جز این خلدون که در این باره می نویسد: «الناصر خود را به کبوتر بازی و گروه اندازی بسیار مشغول می داشت و شلوار فتوت در بر می کرد. این ها همه دلیل است بر تباهی دولت و رفتن ملک از میان کسانی که اهل آنند». (ابن خلدون، ۱۳۶۴: ۲/۴۲۹)

بول فیتیک معتقد است که هدف خلیفه از تنظیم فتوت، هدفی سیاسی بوده است؛ بدین گونه که او برای برپا داشتن جهاد و جنگ با صلیبیان، کوشید تا تشکیلات فتوت را اعاده و بازسازی کند. (سعید صباح، ۱۳۶۳: ۱۳۷)

می توان بیان کرد که مهمترین هدف خلیفه عباسی، احیای قدرت از دست رفته خلافت عباسی بوده است. در این میان، فتیان به عنوان یک عنصر ساختاری بنیادین و عالم جامعه ی شهری در شرق میانه، که پس از تضعیف سلجوقیان به یک عنصر بی ثبات و گاه آشوب آفرین تبدیل بودند، آنان را تحت اقتدار مادی و معنوی خویش درآورد و از قدرت فراوان آنان بهره گیری کرد. (کاهن، ۱۳۸۹: ۴)

نتیجه گیری

فتیان گروهی بودند که اساس کار آنها بر آداب جوانمردی استوار بود، جوانمردی نیز به معنی راه و روش گروهی است که به عربی «فتی» و جمع آن «فتیان» و به فارسی جوانمرد و عیار و به طریقه آنان «فتوت» می گفتند. آنچه از تعاریف فتوت برمی آید، هدف کلی آن عبارت است از توجه به مسائل معنوی و تخلق به اخلاق پسندیده و اتصاف به صفات حمیده. اساس مشی اجتماعی عیارپیشگان و مملوکان عرب و سالکان ایرانی که همه از مردم فقیر بوده اند در آن بود که، حقوق خود را از بیت المال اسلام دریافت دارند و در غزوه ها و جهادها و حفظ شهرها از تهاجمات دشمنان و دزدان، به وظیفه ی دیانت و ملی خود عمل نمایند. این که جوانمردان پیرو چه مسلک و یا چه آیین مذهبی بوده اند، چندان روشن نیست؛ آنچه از اطلاعات منابع در این زمینه بدست می آید، این است که اکثر جوانمردان گرایش به فرقه ی خاصی پیدا نکردند. در طی تحولاتی، فتیان به خدمت دستگاه خلافت درآمدند و با گرویدن خلیفه به فتوت، به عنوان ابزاری برای احیای قدرت از دست رفته خلافت عباسی مورد استفاده قرار گرفتند.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی، (۱۳۶۴)، الکامل فی التاریخ، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران، کتب ایران
- ابن جبیر، محمد بن احمد، (۱۳۷۰)، سفرنامه، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، آستان قدس رضوی
- ابن جوزی، ابی الفرج عبدالرحمن، (۱۳۵۷ق)، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، نشر دارصادر، لبنان
- ابن الجهم، علی، (بی تا)، دیوان، به تحقیق خلیل مردم بک، بیروت، لجنه التراث العربی
- ابن الخلدون، عبدالرحمن، (۱۳۶۴)، العبر، مترجم عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
- ابن ططقی، محمد بن طباطبا، (۱۳۶۰)، الفخری فی الاداب السلطانیه و الدول الاسلامیه، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ابن المعمار البغدادی، ابی عبدالله محمد، (۱۹۵۸م)، الفتوه، اهتمام محمد نقی الدین الهلالی، عبدالحلیم النجار، بغداد، مکتبه

المثنی

- اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۵۰)، «زندگی شگفت آور یکی از خلفای عباسی»، تهران، بی نا
- آملی، محمد بن محمود، (۱۳۸۱)، نفائس الفنون فی عرایس العیون، تصحیح سید ابراهیم میانجی، قم، اسلامیه
- تیشنر، فرانتز، (۱۳۳۶)، «خلیفه عباسی و آیین فتوت»، ترجمه مظفریختیار، مجله وحید، شماره ۷، سال ۵
- تیشنر، فرانتز، (۱۳۳۵)، «آیین فتوت در جهان اسلام»، مجله دانشکده ادبیات، شماره ۲، سال ۴
- دوری، عبدالعزیز، (۱۳۷۵)، بغداد، ترجمه اسماعیل دولتشاهی و ایرج پروشانی، تهران، نشر دایره المعارف اسلامی
- راوندی، محمد بن علی، (۱۳۶۴)، راحه الصدور و آیه السرور، تهران، امیرکبیر
- رسائل جوانمردان، (۱۳۵۲)، تصحیح و مقدمه از مرتضی صراف، خلاصه و مقدمه از هنری کرین، تهران
- سعید صباح، ابراهیم، (۱۳۶۳)، اصناف و فتوت، ترجمه هادی عالم زاده، تهران، نشر دانشگاهی
- شرفی، محبوبه، (۱۳۸۹)، «دستگاه خلافت عباسی و جریان های اجتماعی فقیان»، مسکویه، سال ۴، شماره ۱۲
- -----، (۱۳۹۱)، «الناصر لدین الله: خلیفه هوشمند و مدبر عباسی»، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، سال هشتم، شماره شانزدهم

- شایگان، داریوش، (۱۳۷۱)، هانری کرین آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، ترجمه باقر پرهام، تهران، آگاه
- حاجیان پور، حمید. پیروزان، هادی، (۱۳۹۲)، «جایگاه اجتماعی طریقت قادریه از پیدایش تا پایان دوره صفوی»، پژوهش نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، شماره ۱، سال دوم

- خلعتبری، الهیار. شرفی، محبوبه، (۱۳۸۰)، تاریخ خوارزمشاهیان، تهران، سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی
- کاشی سمرقندی، عبدالرزاق، (۱۳۵۱)، تحفه الاخوان فی خصایص الفقیان، با مقدمه و تصحیح محمد دامادی، تهران، بنیاد فرهنگ

- کاهن، کلود، (۱۳۸۹)، «فتوت به مثابه ساختار اجتماعی»، ترجمه علیرضا رضایت، مجله اطلاعات حکمت و معرفت، شماره

۵۴

- کرین، هانری. زکوب تبریزی، نجم الدین، (۱۳۸۳)، آئین جوانمردی (مشمول بر هفت رساله فتوت و نوزده مقاله پیرامون آئین فتوت)، ترجمه احسان نراقی، تهران، سخن

- کیکاوس، عنصرالمعالی، (۱۳۴۲)، قابوسنامه، با مقدمه امین عبدالمجید بدوی، تهران، ابن سینا
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۷۰)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران نشر علمی و فرهنگی
- مستوفی، حمدالله، (۱۳۳۹)، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران، امیرکبیر
- محبوب، محمدجعفر، (۱۳۷۱)، «جوانمردی در ایران اسلامی»، ایران نامه، ش ۴۱
- نخجوانی، هندوشاه بن سنجر، (۱۳۵۷)، تجارب السلف، تصحیح عباس اقبال، تهران، طهوری
- نفیسی، سعید، (۱۳۴۳)، سرچشمه تصوف در ایران، تهران، فروغی
- واعظ کاشفی، حسین، (۱۳۵۰)، فتوت نامه سلطانی، به اهتمام محمد جعفر محبوب، تهران، بنیاد فرهنگ ایران